

مطالعه و بررسی باستان‌شناختی گویجه قلعه مراغه

حسین ناصری صومعه*

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

بهمن فیروزمندی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

محسن سعادت‌تی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

(از ص ۱۴۷ تا ۱۶۵)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۰/۱۵؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۰۹/۱۵

چکیده

گویجه قلعه با معماری سنگی، آرامگاه صخره‌ای و اتاق‌ها و انبارهایی مختص عصر آهن آذربایجان و همچنین آثار دوره تاریخی و قرن‌های میانه اسلامی، در شهرستان مراغه واقع شده است. استفاده مکرر از این محوطه در قرون متمادی و گوناگون، نشان از اهمیت استراتژیک و موقعیت خاص آن دارد. به نظر می‌رسد با هجوم اورارتو در سال‌های پایانی قرن نهم ق.م به کرانه‌های شرقی دریاچه ارومیه، این منطقه نیز به تسلط آنان درآمده است و بنا بر اعتقاد باستان‌شناسان، در این دوره حاکمان محلی منطقه مذکور خراج‌گزار اورارتوها شدند و بدین‌گونه معماری سنگی، به‌ویژه آرامگاه صخره‌ای آن نیز، به تقلید از معماری اورارتویی برپا شده است. این ادعا با مستندات به دست آمده از بررسی گویجه‌قلعه و نیز با استفاده از داده‌های باستان‌شناختی و کتیبه‌های به دست آمده از منطقه قابل استنباط است. در این مقاله ضمن توصیفات از قلعه و معرفی و مقایسه عناصر تشکیل دهنده آن، به اهمیت این قلعه دفاعی اشاره و جایگاه آن به عنوان خراج‌گزار اورارتویی (حدوداً در مقطع زمانی ۸۱۰ تا ۷۶۴ ق.م و در زمان شاه منوا و آرگیشتی اول، طبق کتیبه‌های جوان قلعه و داش تپه) در جنوب شرق دریاچه ارومیه معرفی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: گویجه قلعه، عصر آهن، اورارتو، خراج‌گزاری، معماری سنگی

۱- مقدمه

شرایط کوهستانی آذربایجان و منطقه مراغه موجب شده است قلعه‌هایی با ماهیت تدافعی- استقراری در این منطقه بنا شود. روستای گویجه قلعه با ساختاری سنتی و معماری سنگی و خشتی، پشت بام‌های مسطح، اندود کاه-گلی دیوارها با طبیعتی زیبا، در فاصله ۴۶ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان مراغه، در غرب روستای گویجه قلعه سفلی و علیا و حاشیه غربی رودخانه قوری‌چای در بخش سراجوی واقع شده است (نقشه ۲). این قلعه در ضلع شرقی ارتفاعات کوه‌های گویجه قلعه واقع شده و دارای صخره‌های طبیعی است و از نادرترین قلعه‌های تاریخی آذربایجان شرقی با معماری صخره‌ای محسوب می‌شود. قلعه به احتمال قوی در کنار یک جاده مهم ارتباطی بنا شده و از نظر استراتژیکی اهمیت خاصی داشته است؛ به طوری که می‌توان از آن به عنوان قلعه دفاعی و نظامی نام برد. این قلعه دارای اتاق‌های صخره‌ای و تمام‌سنگی، پلکان‌های سنگی و آرامگاه صخره‌ای و به‌ویژه حصارها و دیوارهای خشکه‌چین است که از شاخصه‌های شناخته شده معماری عصر آهن منطقه است. گویجه قلعه ابتدا در طی بررسی‌های ولفرام کلایس به عنوان محوطه محتملاً اورارتویی شناسایی شد (Kleiss, 1973: 33-34) که بعدها به آن کمتر پرداخته شد؛ به طوری که تنها در برخی از منابع از آن نام برده شده است (پیوتروفسکی، ۱۳۸۱: ۳۷۲).

به نظر برخی از پژوهشگران، این مناطق هرگز به طور دائم در اختیار اورارتو نبود و فقط برای کنترل مناطق جنوبی که در اختیار مانا بوده، استفاده می‌شده است (Kroll, 2011: 159-160). در بررسی‌های سطحی قلعه که نگارندگان انجام دادند، علاوه بر برداشت پلان آرامگاه صخره‌ای مربوط به دوره اورارتویی، تکه سفال‌هایی مربوط به دوران آهن II و III، آثار فرهنگی مربوط به قرون میانه اسلامی (سلجوقی، ایلخانی) و نیز گورستانی اسلامی در جانب شرقی قلعه شناسایی شد. این داده‌ها نشان می‌دهد که گویجه قلعه همواره از هزاره اول ق.م مورد توجه بوده و تا قرون میانه اسلامی از آن استفاده شده است. در بازه زمانی قرون ۸ و ۹ ق.م منطقه مراغه جزئی از ایالات پادشاهی مانا (احتمالاً اوئیش دیش) بوده است. مدارک مکتوب و شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد که پادشاهی اورارتو در اواخر قرن ۹ ق.م به خاک مانا تجاوز کرده است (ملازاده، ۱۳۸۳: ۱۳۴). در این میان، وجود شواهد عینی در منطقه جنوب شرق دریاچه ارومیه، مانند گویجه قلعه و قلعه‌های اقماری و نیز شواهد پیرامونی آن، چون آثار و سنگ‌نوشته‌های اورارتویی موجود در شهرستان‌های عجب‌شیر (داش‌قلعه) (Kleiss, 1973)، جوان‌قلعه و کتیبه آن (Kroll, 2011: 158) و میان‌دوآب (داش‌تپه، ارسلان‌تپه، شیطان‌تپه) که فاصله چندانی با این اثر ندارند و سنجش و مقایسه آن‌ها با نمونه‌های مشابه، نشان می‌دهد که این منطقه نیز در بازه‌ای از این قرون (هرچند کوتاه) تحت استیلای پادشاهی اورارتو در آمده و ممکن است خراج‌گزار این پادشاهی بوده باشد.

۲- پیشینه منطقه در هزاره اول ق.م

۲-۱- مانا

مانا بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دولتی است که قبل از تشکیل پادشاهی ماد در منطقه آذربایجان به وجود آمد و به مدت چند سده (حداقل از اوایل هزاره اول تا قرن ۷ ق.م) بر گستره وسیعی از شمال غرب ایران حاکمیت داشت. قلمرو مانا در مقطعی از تاریخ خود (۷۱۴ ق.م) از کوه سهند و دریاچه ارومیه در شمال، رشته‌کوه

مرزی ایران و عراق در غرب تا ارتفاعات قزل‌اوزن در شرق و کوه‌های چهل‌چشمه و منطقه بیجار در جنوب کشیده می‌شد (تصویر ۱). پایتخت این دولت، شهر ایزرتو بوده است (ملازاده، ۱۳۸۳: ۱). دیاکونوف با استفاده از مندرجات الواح آشوری، از وجود پادشاهی نیمه‌مستقلی به نام «اوئیش‌دیش» در سده هفتم قبل از میلاد (۷۲۰ ق.م) در حدود ناحیه مراغه کنونی و در جوار قلمرو دولت مانا و تحت نفوذ آن خبر داده است، اما هیچ نشانه‌ای از قرارگاه و مرکز این دولت محلی باستانی در دست نیست. در آن زمان کوه سهند «او‌آئوش» (O' Aosh) نامیده می‌شد (دیاکونوف، ۱۳۷۷: ۲۰۲). از حدود ۸۲۰ ق.م و پس از آن، دولت اورارتو به قلمرو مانا لشکرکشی‌هایی کرد و مانا به رغم شکست‌های متعددی که داشت، هرگز انقیاد اورارتو را نپذیرفت و استقلالش را از دست نداد. کتیبه اورارتویی شاه منوا در داش‌تپه میاندوآب حاکی از تسلط اورارتو بر قسمت‌هایی از کشور مانا در مقطعی خاص است (نوبری، ۱۳۷۸: ۱۸). با روی کار آمدن تیگلت پیلسر سوم در مانا، اورارتویی‌ها شکست سختی از او خوردند و این پایان حملات اورارتو به مانا بود و در پی آن، با پشتیبانی آشور قلمروهای از دست رفته به مانا بازگشت. بعد از آن زمان، کتیبه‌های تیگلت پیلسر سوم (حدود ۷۳۷ ق.م) در گزارش لشکرکشی به غرب ایران، از قدرتمندی شخصی مانایی به نام ایرنزو خبر می‌دهد.

۲-۲- دولت اورارتو

اورارتوها برای نخستین بار در تاریخ، از قرن ۱۳ ق.م در ادبیات آشوری و به صورت مجموعه قبایل متحد محلی ظاهر می‌شوند (Zimansky, 1998: 6). در کتیبه‌های سلیمانصر اول (۱۲۸۰-۱۲۶۱ ق.م) این‌گونه آمده است که «در آغاز سلطنتم سرزمین اورواتری علیه من شورش کرد...» (پیوتروفسکی، ۱۳۸۱: ۷۷). درباره چگونگی فرآیند شکل‌گیری دولت اورارتو نمی‌توان نظر قطعی داد، ولی نقش آشور در این میان تعیین‌کننده بوده است. آشوریان در طی تاریخ، به عنوان بزرگ‌ترین حریف اقتصادی و نظامی این پادشاهی محسوب می‌شدند. به نظر می‌رسد این پادشاهی به منظور مقابله با قشون‌کشی‌ها و تهاجمات آشوریان به شرق آناتولی و از طریق وحدت سیاسی قبایل و کنفدراسیون‌های قبیله‌ای، تحت پرچم قوی‌ترین قبیله در حوضه دریاچه وان تشکیل شده باشد (Yakar, 2011: 127). افزایش و گسترش قلمرو پادشاهی اورارتو از اواسط قرن نهم ق.م شروع و در اطراف دریاچه وان و دریاچه ارومیه متمرکز می‌شود. در نیمه دوم این قرن، نخستین قلعه اورارتیان در دریاچه ارومیه برقرار شد (Kroll, 2011: 156؛ Kleiss, 1976: 29) و حدود ۱۵۰ سال و تا زمانی که سارگون دوم به این منطقه لشکر کشید، در اختیار آن‌ها قرار داشت (Kroll, 2011: 160؛ پیوتروفسکی، ۱۳۸۱: ۴۷). با توجه به کتیبه‌های اورارتویی در شرق و جنوب شرق دریاچه ارومیه، به نظر می‌رسد حضور اورارتویان و تسلط آن‌ها بر شرق این دریاچه در زمان شاه منوا (Menua) (۸۱۰ تا ۷۸۱ ق.م) و شاه آرگیشتی اول (۷۸۶ تا ۷۶۴ ق.م) اتفاق افتاده است.

مرزهای سیاسی این پادشاهی در طی چند قرن حکومت بر نواحی تحت تسلط، پیوسته در نوسان بوده است (Yakar, 2011: 126). دامنه گسترش قلمرو اورارتو از شمال به داش‌کوپرو (Daş Köprü) در کناره شرقی دریاچه چلدر (Lake Çıldır) با کتیبه‌ای از ساردوری دوم (Sarduri II) و لچشن (Liçşen) با کتیبه‌ای از آرگیشتی اول، از جنوب غرب به ایزولی (Izoli) با کتیبه‌ای از ساردوری دوم، از جنوب شرق به کلیشین (Kelyashin) و داش‌تپه با دو کتیبه مربوط به دوره منوا، از شرق به رازلیق و نشتبان (Nashtban) با

کتیبه‌هایی متعلق به آرگیشتی دوم و از غرب به آلتین‌تپه محدود بوده است (نوبری، ۱۳۷۸: ۱۸). اوج حکومت اورارتویان در دوره ساردوری دوم (۷۳۰-۷۶۰ ق.م) بوده که از غرب تا سواحل مدیترانه و از شرق تا حدود اردبیل (نوبری، ۱۳۷۸: ۱۸) و نزدیکی دریای خزر می‌رسیده است (تصویر ۲). هجوم سارگون دوم در سال ۷۱۴ ق.م به اورارتو، پایان نفوذ اورارتو را بر حوضه دریاچه خزر و کرانه‌های جنوبی و جنوب شرقی ارومیه در پی داشت. بنا بر بررسی‌های صورت گرفته در حدود سال ۸۰۰ ق.م، مرزهای شرقی اورارتو جنوب، شرق و شمال‌شرقی دریاچه ارومیه، یعنی تا منطقه اهر و سراب را شامل می‌شده است.

تمامی سرزمین‌های شناسایی شده اورارتویی در ایران، در استان‌های آذربایجان و غالب آن‌ها در اطراف دریاچه ارومیه قرار گرفته است که معمولاً از دهه ۷۰ میلادی و پس از آن و در طی طرح پژوهشی حسنلو (Muscarella, 1974; Dyson et al. 1969) و یا در طی بررسی‌های افرادی چون کلایس (1972, 1973, 1974) (Kleiss, 1970)، برنی (Burney, 1970)، خطیب‌شهیدی و بیشونه (Khatib Shahidi and Biscione, 2005) شناسایی و مطالعه شده‌اند (Kroll, 2005: 66). در این میان، فعالیت‌های ولفرام کلایس از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

بیشترین و مهم‌ترین اطلاعات درباره حضور اورارتویان در ایران، از کتیبه‌های میخی شاهان اورارتویی در ایران به دست می‌آید (Kroll, 2011: 158). به طور خلاصه، شناسایی علمی دوره اورارتو در اوایل قرن نوزدهم میلادی آغاز شد و به تدریج پیشرفت کرد و تا کنون نیز ادامه دارد. در حال حاضر، تقریباً شناختی منطقی از اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی طبقه حاکم در دست است، اما این اطلاعات برای معرفی کامل و همه‌جانبه این تمدن کافی نیست، به‌ویژه در مناطق شرق و جنوب شرقی دریاچه ارومیه این کاستی بیشتر به چشم می‌خورد؛ لذا کاوش‌های باستان‌شناسی و مطالعات زبان‌شناختی کتیبه‌های اورارتویی، زمینه مناسبی برای درک بهتر آن فراهم می‌کند (Zimansky, 2011: 70).

دولت اورارتو با معیارهای خاص خود، به‌ویژه در معماری سنگی (قلعه‌ها، خندق‌ها و...) (Kroll, 2011)، سفالگری، به‌خصوص سفال قرمز صیقلی (Medvedskaya, 1989; Erdem Konyar, 2011: 170) مذهب و سامانه آب‌رسانی تعریف می‌شود. علاوه بر این، یادمان‌هایی از مقابر چند اتاقه (آرامگاه صخره یا آرامگاه صخره‌ای) که با برش در داخل سنگ ایجاد و برای تدفین پادشاهان و طبقه حاکم محلی استفاده می‌شد، از آن‌ها برجای مانده است که بسیار اهمیت دارند. این معیارها با فاصله گرفتن از مرکز دولت و شهرهای بزرگ آن، کم‌رنگ‌تر می‌شود (Koroğlu, 2011: 24 – 25).

۳- معرفی و توصیف مجموعه گویجه قلعه

وجه تسمیه گویجه قلعه (در زبان ترکی به معنی قلعه سبزگون) برگرفته از سنگ‌های سبز مایل به آبی است که در لایه‌های تحتانی ضلع شمالی کوه وجود دارند. این قلعه را برای نخستین بار در سال ۱۹۷۳ م. ولفرام کلایس شناسایی و بررسی کرد (Kleiss, 1973: 33-34)، ولی از آن زمان تا کنون، درباره آن کار جدی و اساسی علمی صورت نگرفته است. در منابع مختلف از این قلعه به اشتباه با اسامی گوجور قلعه (پیوتروفسکی، ۱۳۸۱: ۳۷۲) و قلعه گوهر (حاجی‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۵۱) نیز یاد شده است. گویجه قلعه بر روی کوهی بنا شده است که تقریباً دارای شکل مستطیلی است و شیب نسبتاً تندی در هر جهت دارد و به احتمال بسیار در کنار جاده

مهم ارتباطی در سرحد جنوب شرقی اورارتو با پادشاهی مانا شکل گرفته و به نظر می‌رسد اهمیت خاص استراتژیک داشته است (تصویر ۳). به طور کلی، اندیشه قلعه‌سازی در معماری ایران از اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول ق.م و حتی پیش‌تر وجود داشته است. قلاعی مانند بلورآباد در قره ضیاءالدین و راوز قلعه در ماکو قدیمی‌ترین قلعه‌ها در آذربایجان و ایران هستند (ملازاده و محمدی، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۴)؛ بنابراین، ساخت قلعه در این دوره در آذربایجان پدیده تازه‌ای نیست؛ چرا که در اوایل عصر آهن در سراسر آذربایجان قلعه وجود داشته است. محوطه و قلعه‌های عصر آهن، به‌ویژه قلاع اورارتویی، معمولاً در ارتفاعات بالای رشته‌کوه‌ها، با صخره‌های شیب‌داری که کاملاً بر منطقه، دشت یا جاده اصلی مسلط باشد، به وجود می‌آمدند که نقاط استراتژیک شمرده می‌شدند و از آنجا منطقه را کنترل می‌کردند (Köroğlu, 2011:31) و گویجه قلعه نیز از این ویژگی برخوردار است.

گویجه قلعه با وجودی که در بین کوه‌ها محصور و از دید به دور بوده است، اهالی آن از طریق همین کوه‌ها می‌توانسته‌اند بر بخش گسترده‌ای از منطقه اشراف یابند و هر نوع رفت‌وآمد یا بیتوته را در این منطقه زیر نظر بگیرند. قلعه در قسمت شرق و شمال، شیب تندی داشته که دسترسی به آن را از این قسمت‌ها دشوار می‌کرده است، مگر از طریق پله‌هایی که در حال حاضر به شدت تخریب شده و فقط پله‌هایی که در بافت سنگ ایجاد شده بود، تقریباً سالم مانده‌اند. در قسمت جنوب و غرب قلعه، شیب ملایمی وجود دارد و به همین دلیل این قسمت‌ها به حصار و دیوار دفاعی نیاز داشته است که آثار آن امروز وجود دارد. این مجموعه که بخش عمده آن بر روی صفحه‌ای صخره‌ای واقع شده و بخش‌های دیگر در پای آن قرار گرفته است، متشکل از چند بخش مجزا شامل دیوارها، اتاق‌ها و درگاه‌های صخره‌ای و تمام سنگی، پلکان‌هایی سنگی، آرامگاه صخره‌ای و گورهای صندوقی شکل، آب انبار و... است که در ذیل به اختصار به آن‌ها پرداخته می‌شود. در این میان، دیوارهای سنگی خشکه‌چین، آرامگاه صخره‌ای و پلکان‌هایی مرتبط با آرامگاه صخره‌ای، پیوند و مشابهت‌هایی نزدیک با نمونه‌های اورارتویی دارد و از سبک معماری دوره مانا متمایز است.

۳-۱- حصار

شواهد مربوط به وجود حصار و دیوار دفاعی قلعه، تنها در قسمت جنوب و غرب محوطه به چشم می‌خورد و سایر قسمت‌ها به گونه‌ایست که شاید فقط با کاوش‌های علمی بتوان به نشانه‌های آن دست یافت. البته در قسمت شمال و شرق، شیب تند دره، خود دیواری دفاعی را تشکیل داده است، ولی نشانه‌هایی نیز وجود دارد که در این قسمت‌ها دیوارهایی که تکمیل‌کننده شیب کوه بوده، وجود داشته است. آثار باقی مانده در جنوب قلعه نشان می‌دهد که دیوارها از بلوک‌های سنگی مکعب‌شکلی که بدون ملات و به صورت خشکه‌چین بر روی هم قرار می‌گرفتند، تشکیل می‌شدند (تصویر ۵و۴). امروزه این سنگ‌ها در دامنه تپه به چشم می‌خورند که از نوع بلوک‌هایی چهارگوش منظم یا مستطیل بوده‌اند؛ یعنی در آن سنگ‌هایی با سطوح برش‌خورده بسیار منظم استفاده شده است. در این نوع سنگ‌چینی، قطعات سنگ با زاویه‌های قائمه بریده شده‌اند و تمام خطوط افقی و عمودی به صورت قائم هستند. این روش در چاووش تپه، قلعه گاوور و اکثر قلعه‌های اورارتویی (نوبری، ۱۳۷۸: ۲۱) دیده می‌شود و از ویژگی‌های مهم معماری عصر آهن منطقه (Khatib Shahidi & Biscione, 2005: 33) شمرده می‌شود (تصویر ۶). ضخامت دیوار حصار در قسمت غرب گویجه قلعه حدود ۱

متر و در قسمت جنوب ۱ تا ۲ متر است و نشانه‌ای از پس یا پیش‌آمدگی وجود ندارد که حاکی از موجودیت پشت‌بند یا برج باشد.

۳-۲- درگاه‌های سنگی

شواهدی وجود ندارد که نشان‌دهنده دروازه اصلی قلعه باشد، اما در دامنه غرب قلعه مسیری شیب‌دار برای ارتباط قلعه با محیط بیرون ایجاد شده است که عرض و طول باقی مانده از آن حدود ۴×۱۵ متر است و دیواری با عرض ۱ متر و طول ۹ متر در کناره غربی آن وجود دارد. اما در آثار باقیمانده قلعه، دو درگاه وجود دارد که چارچوب آن‌ها کاملاً از سنگ تراشیده شده‌اند. یکی از این درگاه‌ها متعلق به ورودی قسمتی است که در این پژوهش، با عنوان فضای مربع معرفی و شرح داده خواهد شد و درگاه دیگری در قسمت شمال‌شرقی این قلعه و در جایی قرار دارد که از جهت جنوب با پنج پله به طول ۱۵۰ الی ۱۶۰ سانتی‌متر و عرض ۸۰ الی ۱۰۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۱۷ الی ۲۳ سانتی‌متر به آرامگاه صخره‌ای مرتبط می‌شود (تصویر ۷). قسمت بیرونی این درگاه به پرتگاهی ختم می‌شود که به نظر می‌رسد در گذشته با یک سری پلکان مستقیماً به بیرون قلعه مرتبط می‌شده است. ارتفاع درگاه ۲۱۵ سانتی‌متر و عرضش به دلیل تخریب شدن قسمت غربی آن نامشخص است. سوراخ‌هایی در قسمت‌های بالا و پایین درگاه‌ها وجود دارد که به عنوان پاشنه و لولای در کار شده است. همچنین شیارهایی برای تعبیه کلون درگاه تعبیه شده است. این درگاه از داخل یک قاب دارد، اما در جاهایی تخریب شده است و به نظر می‌رسد نقش خروجی اضطراری را داشته است؛ زیرا ورودی اصلی این قلعه پس از دور زدن سمت شمال غربی و غرب قلعه، از طریق یک خیابان سنگ‌فرش به عرض شش‌متر، در سمت جنوب‌غربی قلعه قرار دارد.

۳-۳- پلکان‌ها

این قلعه دارای طبقات مختلف به شکل صخره‌های سنگی است که با پلکان‌هایی تراشیده شده از صخره‌های خود قلعه، به همدیگر مرتبط می‌شده‌اند. امروزه پله‌ها در دو قسمت عمده به چشم می‌خورند. تعداد شش پلکان در قسمت اتصالی آرامگاه صخره‌ای به درگاه شمال شرقی وجود دارد که در بخش قبلی شرح داده شد. در قسمت مرکزی قلعه نیز تعداد سی پلکان با اندازه‌های متغیر وجود دارد که از شیب سمت شرق قلعه شروع می‌شود و تا کنار آرامگاه صخره‌ای ادامه می‌یابد و چند پله نیز به بالاتر از آن امتداد پیدا می‌کند. البته در قسمت شروع این پله‌ها، یک سری پلکان به صورت مارپیچی نیز وجود دارد که به نظر می‌رسد طبقه پایین را به بالا متصل می‌کرده است. پلکان‌ها در بعضی نقاط در اثر سایش و عوامل جوی، شکل اصلی خود را از دست داده‌اند (تصویر ۸).

۳-۴- آرامگاه صخره‌ای

نخستین نمونه از آرامگاه‌های صخره‌ای یادمانی ایجاد شده در داخل سنگ به وسیله برش سنگ، در آناتولی در دوره فریگی‌ها و اورارتوها مشاهده شده است. بعد از آن، این سنت به طور گسترده‌ای در فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر استفاده شد. این که این سنت در آناتولی به صورت مستقل تکوین شده یا در اثر روابط با

غرب شکل گرفته است، هنوز روشن نشده است (Konyar, 2011: 207). این آرامگاه‌ها به طور کلی شامل یک اتاق اصلی با اتاق‌های الحاقی به آن هستند و بر خلاف آرامگاه‌های مادی و هخامنشی، معمولاً برای حفاظت هرچه بهتر از آن‌ها در داخل دیوارهای شهر یا قلعه و نزدیک به ارگ ساخته می‌شده‌اند. این نوع آرامگاه در بیرون از ارگ شهرهای مهم مشاهده نشده است (Köroğlu, 2011: 37). این آرامگاه‌ها از طریق پله‌های سنگی به راحتی قابل دسترس بودند (Konyar, 2011: 208-210).

در گویجه قلعه نیز آرامگاهی صخره‌ای وجود دارد که در ضلع شمال شرقی متمایل به مرکز قلعه قرار گرفته است و یکی از مهم‌ترین عوامل برای تاریخ‌گذاری و انتساب قلعه به اورارتوییان و یا خراج‌گزاران آنهاست. این آرامگاه از دو قسمت تشکیل شده است (تصویر ۹) که نخستین قسمت آن به صورت روباز و به ابعاد ۱۱۵×۲۲۰ سانتی‌متر و عمق ۲۶۰ سانتی‌متری بوده و دارای یک قاب است. در مقابل اورارتویی آذربایجان استفاده از پله یا فضای کوچک چهارگوش مقابل مقبره، به عنوان مدخل ورودی مطرح است. مشابه فضای چهارگوش ورودی آرامگاه صخره‌ای گویجه قلعه، در قارنی یاروخ و اسماعیل‌آقا موجود است (تصویر ۱۰). همچنین نمونه ترکیب راه‌پله‌های وصولی به اتاقک مقبره با واسطه مدخل ورودی چهارگوش در مقبره اورارتویی پلدشت وجود دارد (کارگر، ۱۳۶۸: ۵۵-۵۶). در این آرامگاه از طریق ورودی کوچکی به ابعاد ۱۱۰×۱۱۰ سانتی‌متری می‌توان از قسمت اول به قسمت دوم که فضای اصلی است، وارد شد. فضای اصلی به شکل تقریباً مربع به وسعت ۳۴۰×۳۸۰ سانتی‌متر است که در دو مرحله در جهت غرب و شمال به اتاق‌های الحاقی گسترش یافته است. ارتفاع این فضاها ۱۶۰ سانتی‌متر و سقف آن‌ها به صورت تخت است که در کنج‌ها قوس دارد. بعد از فضای مربع اصلی، ابتدا فضای غربی و سپس فضای شمالی حجاری شده و علت این استدلال بدین جهت است که در فضای شمالی، گودالی که به عنوان گور در حال ساخت بوده، نیمه‌کاره رها شده است (تصویر ۱۲ و ۱۱). در مرکز فضای غربی یک چاله مستطیل‌شکل به طول و عرض ۱۱۵×۱۶۸ سانتی‌متر و عمق ۸۰ سانتی‌متر وجود دارد که کاربرد آن گور تشخیص داده شد (تصویر ۱۳ و ۱۴). فضای شمالی مستطیلی به ابعاد ۲۱۰×۴۴۰ سانتی‌متر است که در مرکز آن نیز گودالی به ابعاد ۱۲۰×۲۱۰ سانتی‌متر ایجاد شده که فقط ۱۰ سانتی‌متر از عمق آن کنده شده است و بعد به دلیل نامعلوم به حال خود رها شده و حجاری نیمه‌کاره مانده است.

با دقیق شدن در پلان، اجزا و مکان قرارگیری این آرامگاه صخره‌ای و مقایسه آن با دیگر آرامگاه‌های صخره‌ای اورارتویی، به‌ویژه آرامگاه‌های اسماعیل‌آقا، وره‌رام و اشنویه در آذربایجان غربی، به قوت و اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که آرامگاه صخره‌ای گویجه قلعه از نوع آرامگاه‌های صخره‌ای تک اتاقه پیوسته بوده و از پلان مقابر صخره‌ای اورارتویی تقلید شده است. در دوره باستان، محل و نوع مقابر وضعیت اجتماعی دفن‌شدگان را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد آرامگاه‌های صخره‌ای فقط برای پادشاهان و خانواده سلطنتی و همچنین حکام محلی ساخته می‌شده است (Köroğlu, 2011: 40; Konyar, 2011: 207).

یکی دیگر از انواع آرامگاه‌های به دست آمده در گویجه قلعه، گورهای سنگی صندوقی شکل است که این گونه گورها حداقل از اوایل عصر مفرغ استفاده می‌شده است. در این گونه گورها بلوک‌های سنگی تخت به صورت عمودی در دیواره‌ها و افقی در سقف کار گذاشته می‌شده‌اند (Konyar, 2011: 224). در بررسی نگارندگان این پژوهش که در پیرامون این قلعه صورت گرفت، در شیب جنوب شرقی قلعه شش نمونه از این

گورها شناسایی شد که به شدت تخریب و غارت شده بودند (تصویر ۱۹). این گورها معمولاً از ۸ الی ۱۰ بلوک بزرگ سنگی سبزرنگ با اندازه‌های تقریباً مساوی در دیواره‌ها و سقف و چند سنگ در اندازه متوسط و کوچک برای پر کردن درز گورها تشکیل شده‌اند که کاملاً تخت و مسطح گردیده‌اند. به نظر می‌رسد علت اصلی تخریب این گورها احداث راه بین روستایی در این سوی قلعه و کاوش‌های غیر مجاز باشد. از این گورها در دوره اورارتو از یونج‌تپه (Yonca tepe) (Konyar, 2004)، دیل کایا (Dilkaya) (Çilingiroğlu, 1991) (تصویر ۲۰) و گورستان کاراگوندوز (Karagündüz) (Sevin&Kavakli, 1995: 335) در شرق ترکیه به دست آمده است. البته نمونه‌های مشابه با این گونه تدفین‌ها در دوره هم‌زمان، در برخی از محوطه‌های مانایی نیز به دست آمده است که شاخص‌ترین آن‌ها در قلعه بردینه (Hassanzadeh, 2009: 274) و قبرستان کول تاریکه (Rezvani and Roustaei, 2007: 165) حفاری شده است. اندک تفاوت این گورها با نمونه‌های گویچه قلعه در این است که در این گورها سنگ‌ها کاملاً مکعبی نیستند و اندازه آن‌ها یکسان نیست و سطح آن‌ها زمخت کار شده است. این در حالی است که در گورهای گویچه قلعه تلاش شده که سنگ‌ها در اندازه‌های یکسان، کاملاً مکعبی و با سطوحی صاف ساخته شوند. در هر صورت، با توجه به تخریب این گورها، تنها داده مرتبط با آن‌ها ساختار گورهاست که قابل مقایسه و منطبق با نمونه‌های اورارتویی و نمونه‌های منتسب به مانایی در دوره عصر سوم آهن است و می‌توان از آن‌ها به عنوان گور اشخاص متوسط جامعه یاد کرد، ولی آگاهی از اینکه این گورها دقیقاً به چه اقوام یا حکومتی تعلق دارد، به کاوش‌های نظام‌مند باستان‌شناختی نیازمند است.

۳-۵- آب‌انبار

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مواردی که در حیات قلعه‌ها اهمیت دارد، تأمین آب آن‌هاست. آب‌انبارها از جمله تأسیساتی هستند که برای ذخیره‌سازی آب در زمستان و استفاده در تابستان یا شرایط سخت، مثل جنگ کاربرد داشته‌اند. آب‌انبارها به اشکال و اندازه‌های مختلفی در طی تاریخ ایجاد شده‌اند. ارزش این آب‌انبارها در زمان جنگ چندین برابر بوده است؛ زیرا ممکن بوده است این قلعه‌ها روزها و شاید حتی ماه‌ها در محاصره دشمن باشند و در این مواقع بایستی آب برای چندین ماه ذخیره می‌شد. آب‌انبارهای قلعه‌ای بسیار ساده هستند و مخزن آن‌ها نسبتاً عمیق است و به شکل چاهی در قسمت مرکزی قلعه ساخته می‌شده‌اند. برخی از آن‌ها به نحوی با مجموعه بناهای قلعه ترکیب شده‌اند که بتوانند آب نزولات آسمانی را که روی بام‌ها و صحن قلعه روان می‌شود، جمع‌آوری و ذخیره کنند.

در شمال غرب ایران این آب‌انبارها از هزاره اول، یعنی دوره ماناها و اورارتوها موجود بوده است. در گویچه قلعه نیز دو نمونه آب‌انبار در مرکز قلعه وجود دارد. دهانه این آب‌انبارها دایره و قطر آن‌ها ۱۷۰ سانتی‌متر است. عمق واقعی این آب‌انبارها به دلیل پر شدگی با سنگ و آوار نامشخص است و تنها ۲ متر از عمق آن پیداست (تصویر ۱۵).

۳-۶- فضای مربع

در ضلع شمالی قلعه فضایی مربع شکل به ابعاد $۷/۶۰ \times ۸/۱۰ \times ۵$ متر در دل صخره ایجاد شده است (تصویر ۱۶). درگاه این فضا در اندازه بسیار بزرگ $۴/۷۵ \times ۳/۴۰$ متر بوده و در گوشه ضلع شمالی آن روزنه‌ای به ابعاد ۷۰×۹۰

سانتی‌متر ایجاد شده که احتمالاً به عنوان نورگیر از آن استفاده می‌شده است. زاویه دیواره‌ها به صورت منحنی (گرد شده) و سقف آن به صورت مسطح کار شده است. درگاه از داخل و بیرون دارای دو قاب افقی است و در سمت بالای قرنیز در بیرون و درون ورودی، سوراخ‌هایی به عنوان پاشنه و لولا ایجاد شده است. قاب اول قسمت بیرونی درگاه از سوی غرب، حدود ۲/۵۰ متر اضافی کار شده و سطحی صاف و قاب‌بندی شده به وجود آورده است؛ به گونه‌ای که گویی قصد داشته‌اند در این محل کنده‌کاری یا کتیبه‌نویسی کنند که به دلایلی یا نیمه‌کاره مانده و به مرحله اجرا نرسیده و یا تخریب شده است (تصویر ۱۷). کاربرد این فضا مشخص نیست و برای روشن شدن کامل کاربرد آن به عملیات کاوش و به دست آوردن داده‌هایی نیاز است که بتوان بر اساس آن‌ها نتیجه‌گیری کرد. در شرایط فعلی فقط می‌توان دو کاربرد احتمالی را برای این فضا گمانه‌زنی کرد: یکی اینکه از این فضا به عنوان انبار برای غله یا تسلیحات جنگی استفاده می‌شده و دیگر اینکه محلی برای دفن بزرگان بوده است؛ به این صورت که طبق آرامگاه‌های صخره‌ای منسوب به اورارتوها، این فضا تالار مراسم بوده است و اتاق‌های تدفین به احتمال زیاد در سطوح جانبی ایجاد می‌شد که حجاران هرگز چنین فرصتی را به دست نیاورده‌اند. به هر روی، احتمال آرامگاه بودن این فضا منطقی به نظر می‌رسد. کلایس نیز در بررسی‌های خود، کاربرد آن را به این نظر نزدیک دانسته است (Kleiss, 1973: 34) (تصویر ۱۸).

۳-۷- سفال

در طی بررسی سطحی نگارندگان در محوطه، تکه‌سفال‌هایی مربوط به دوران دوم و سوم عصر آهن، دوره تاریخی و دوره اسلامی شناسایی شد. از نمونه سفال‌های شاخصی که به صورت تصادفی از دامنه قلعه جمع‌آوری و شناسایی شد، حدود ۲۳ درصد متعلق به هزاره اول ق.م، ۳۱ درصد متعلق به دوره تاریخی و ۴۶ درصد متعلق به دوره اسلامی بودند. سفال‌های دوره اسلامی این محوطه عمدتاً از نوع لعاب‌دار به قرون اولیه اسلامی، سفال با نقش‌کننده زیر لعاب به دوره سلجوقی و همچنین سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ و زیرلعاب به دوره ایلخانی تعلق دارند. سفال‌های هزاره اول ق.م نیز شامل تعداد اندکی سفال‌های خاکستری و سفال قرمز براق اورارتویی بودند. ولفرام کلایس نیز در گزارش بررسی‌های خود در گویجه قلعه، به وجود این سفال‌ها اشاره کرده است (Kleiss, 1973: 33). به نظر می‌رسد اندک بودن سفال قرمز براق اورارتویی، به علت حضور کم‌رنگ و قدرت اندک آن‌ها در این منطقه بوده است (تصویر ۲۱ و ۲۲ و جدول ۱).

۴- نتیجه

با توجه به آنچه ذکر شد و بر اساس داده‌های به دست آمده از بررسی صورت گرفته، از جمله سفال‌ها و ساختار معماری و آرامگاه صخره‌ای موجود در گویجه قلعه، این‌گونه استنباط می‌شود که از گویجه قلعه نخستین بار در اواخر عصر دوم و عصر سوم آهن استفاده و قلعه‌ای نظامی در آن برپا شده است و در دوران تاریخی و قرون میانه اسلامی (تیموری و ایلخانی) بنا بر ضرورت منطقه از آن بهره‌برداری کرده‌اند. طبق اسناد باستان‌شناختی منطقه جنوب شرق دریاچه ارومیه؛ شامل دشت‌های مراغه، عجب‌شیر، بناب و میان‌دوآب در برهه‌ای از تاریخ، بین اواخر قرن نهم ق.م تا اواسط قرن هشتم ق.م در کشوقوس رقابت‌های منطقه‌ای برای تسلط بر آن، بین دولت‌های مانا و اورارتو و دخالت‌های آشور قرار گرفته است. این مناطق در ابتدا جزئی از

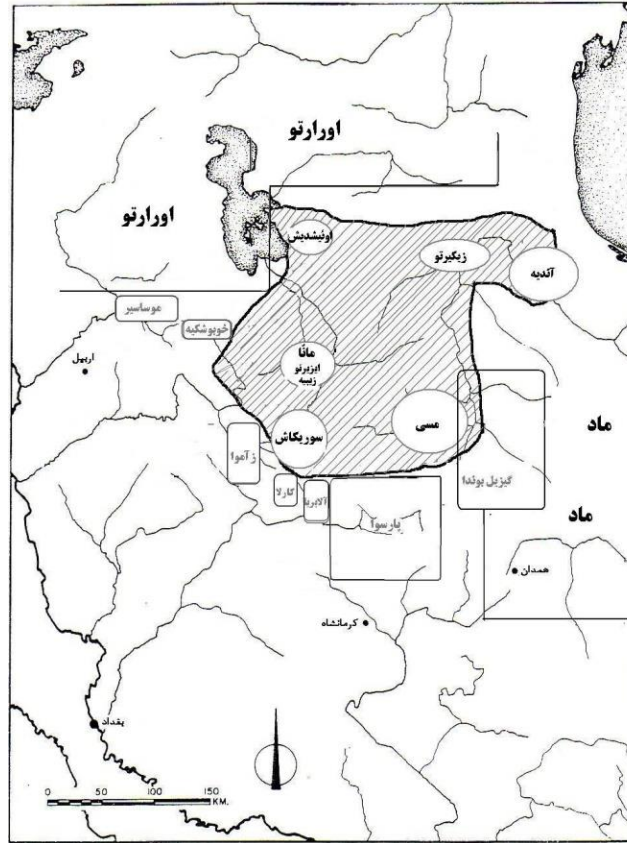
ایالات پادشاهی مانا (احتمالاً اوئیش دیش) بوده است، ولی سنگ‌نوشته‌های ظفرنامه‌ای و قلاعی از دوره اورارتو (مانند کتیبه داش‌تپه متعلق به منوا-۸۱۰ تا ۷۸۱ ق.م) در ارسلان‌تپه و شیطان‌تپه، شهرستان میاندوآب و داش‌قلعه، جوان‌قلعه و کتیبه متعلق به آرگیشتی اول (۷۸۶ تا ۷۶۴ ق.م) در این منطقه شناسایی شده که نشان از پیروزی مقطعی آن‌ها بر این مناطق دارد. به نظر می‌رسد در این مقطع زمانی باشد که گویچه قلعه نیز به تصرف ارتش اورارتو در آمده و معماری ویژه اورارتوها، از جمله آرامگاه صخره‌ای در آن ایجاد شده است. از آنجایی که دشت مراغه و گویچه قلعه تقریباً بین دو منطقه عجب‌شیر و میاندوآب قرار گرفته است، بی‌شک، علاوه بر داده‌های باستان‌شناختی، کتیبه‌های اورارتویی در این مناطق می‌تواند سندهای گویای دیگری بر حضور اورارتوها در مراغه باشد. ولفرام کلایس در گزارش‌های خویش به وجود سفال اورارتویی و ویژگی‌های معماری اورارتویی در ساختار گویچه‌قلعه اشاره می‌کند، ولی او با اطمینان این قلعه را به دوره اورارتویی نسبت نمی‌دهد و معتقد است که به علت کم‌رنگ بودن آثار و سفال‌های اندک اورارتویی، این محوطه ممکن است متعلق به خراج‌گزاران اورارتو باشد که روش ساخت بنای پله‌ای و آرامگاه صخره‌ای را از فاتحان اورارتویی خود آموخته‌اند.

اشاره شاه ساردوری دوم در کتیبه سقندل، مبنی بر ایجاد قلعه در مناطق تازه فتح شده نشان از وجود برنامه‌های حفاظتی- نظامی طولانی‌مدت شاهان اورارتویی در این مناطق دارد و قلعه‌ها برای نگهداری و پاسبانی از مناطق گشایش یافته و مرزهای جدید شرقی و جنوب شرقی نقش داشته‌اند؛ بنابراین، هدف از استقرار آن‌ها در این منطقه ممکن است به منظور کنترل مرزهای جنوب شرقی اورارتو با پادشاهی مانا بوده باشد که این روند نیمه‌تمام باقی مانده است.

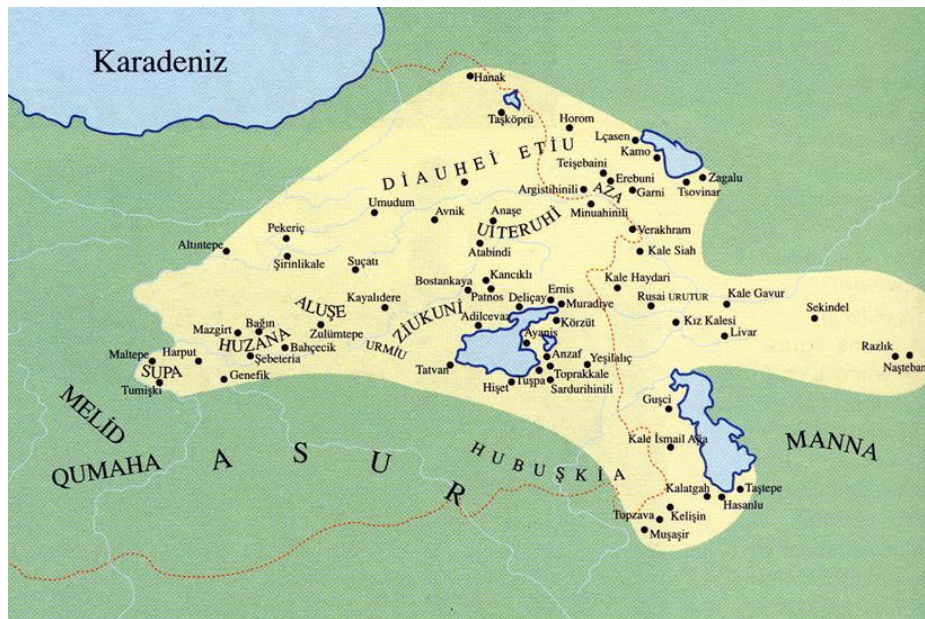
در اینجا وجود یک گور کامل، نشان‌دهنده حاکمیت فردی در دوران تسلط اورارتوها و یک گور در حال ساخت و دیوار تسطیح شده فضای مربع که به صورت نیمه‌کاره رها شده‌اند، می‌تواند نشان‌دهنده جنگ یا اتفاقی باشد که موجب رها کردن ساخت آن‌ها و به احتمال زیاد واگذاری محوطه و منطقه شده است. در صورت ترک محوطه در اثر جنگ، هجوم آشور بهترین گمانه است.

تشکر و قدردانی

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از راهنمایی‌ها و پیشنهادهای سازنده جناب آقای دکتر کاظم ملازاده صمیمانه قدردانی کنیم.



تصویر (۱) قلمرو مانا (ملازاده، ۱۳۸۳: ۱۵۸)



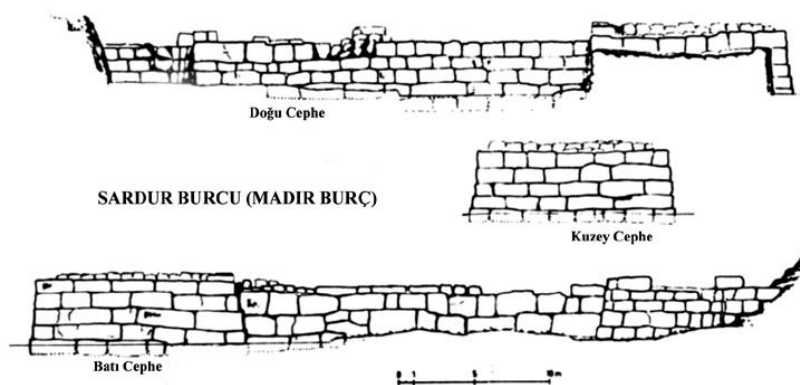
تصویر (۲) قلمرو اورارتو در اوج قدرت (Google images)



تصویر ۳) موقعیت گویچه قلعه و نمای شرقی آن (Google earth)



تصویر ۴) قسمتی از پی دیوار در گویچه قلعه (نگارندگان) تصویر ۵) قسمتی از دیوار خشکه‌چین در گویچه قلعه (نگارندگان)



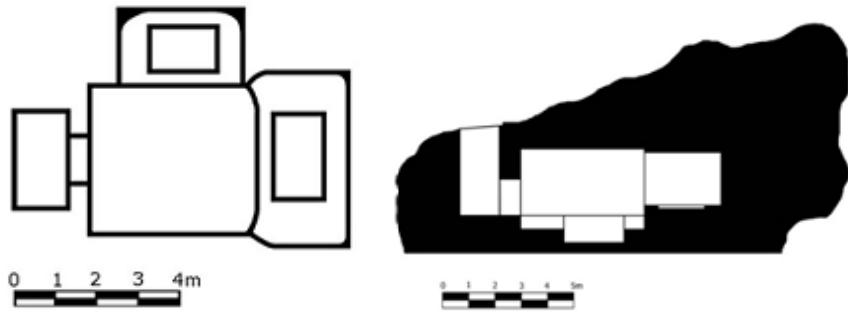
تصویر ۶) استفاده از بلوک‌هایی خوش تراش سنگی در برج ساردور (Tarhan, 2011:300)



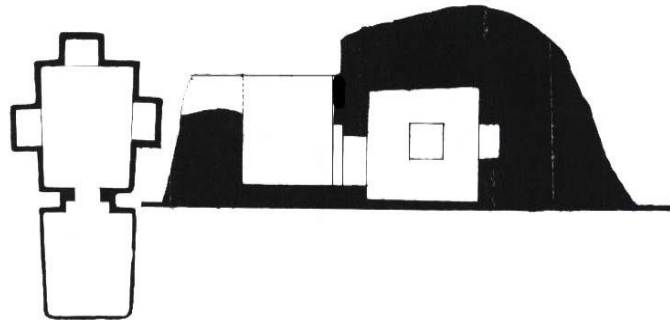
تصویر ۷) درگاه شمال شرقی در گویچه قلعه (نگارندگان)



تصویر ۸) پله‌های منتهی به آرامگاه صخره‌ای گویچه قلعه (نگارندگان)



تصویر ۹) پلان و مقطع آرامگاه صخره‌ای گویجه قلعه (نگارندگان)



تصویر ۱۰) مقطع گور قلعه اسماعیل آقا (کارگر، ۱۳۶۸: ۵۵)



تصویر ۱۱) فضای داخلی آرامگاه صخره‌ای گویجه قلعه تصویر ۱۲) فضای شمالی آرامگاه صخره‌ای گویجه قلعه (نگارندگان)

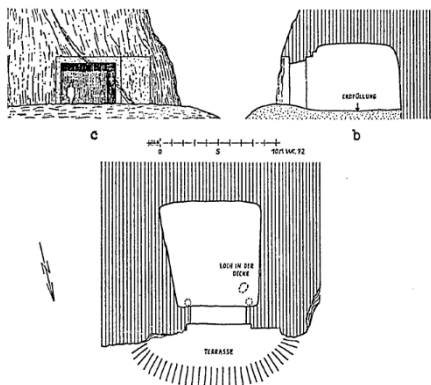


تصویر ۱۳ و ۱۴) فضای غربی و گور موجود در آن، در آرامگاه صخره‌ای گویجه قلعه (نگارندگان)



تصویر ۱۶ ورودی فضای مربع در گویچه قلعه (نگارندگان)

تصویر ۱۵ آب انبار در گویچه قلعه (نگارندگان)



تصویر ۱۷ نمای ورودی فضای مربع در گویچه قلعه (نگارندگان) تصویر ۱۸ پلان و مقطع فضای مربع در گویچه قلعه (Kleiss, 1973: 34)



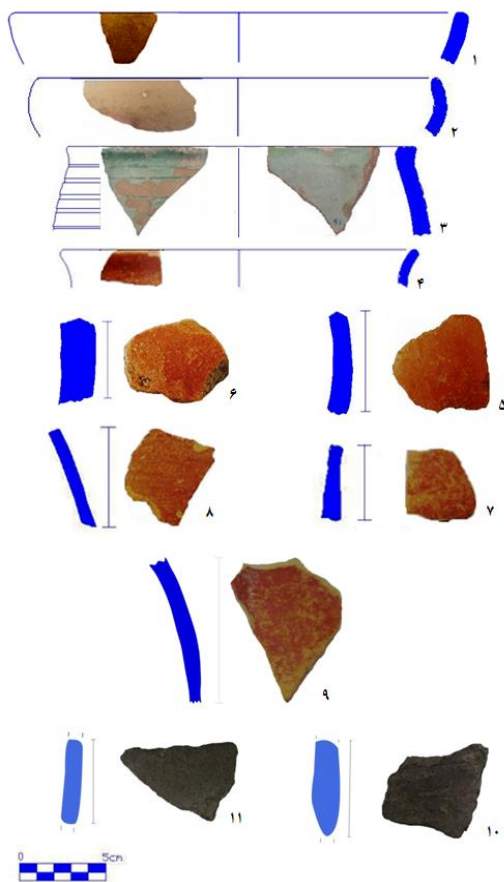
تصویر ۱۹ گورهای صندوقی شکل در گویچه قلعه (نگارندگان)



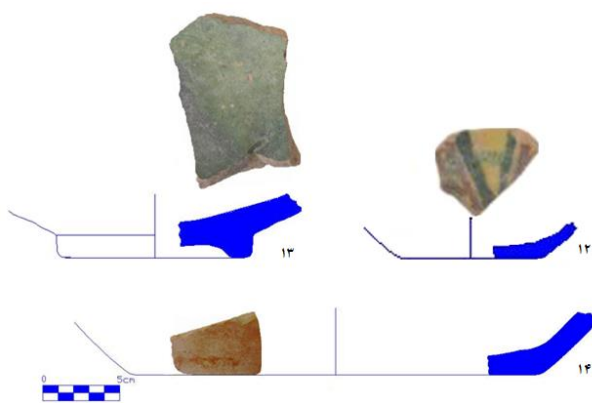
DILKAYA NEKROPOLÜ 1 NOLU TAŞ SANDIK MEZAR



تصویر ۲۰ نمونه قبر صندوقی شکل در دیل کایا (Çilingiroğlu 1991)



تصویر ۲۱) نمونه سفال‌های گویچه قلعه (نگارندگان)



تصویر ۲۳) نمونه سفال‌های گویچه قلعه (نگارندگان)

جدول شماره ۱) مشخصات سفال‌های گویچه قلعه

شماره ثبت	فرم	نوع ساختن	شاموت	رنگ درون	رنگ سطح	رنگ خمیره	پیزون	رنگ سطح	پوشش درون	پوشش بیرون	تزیینات	توضیحات
۱	لبه	چرخ‌ساز	شن ریز	قرمز تیره	قرمز تیره	آجری	قرمز تیره	نامشخص	صیقلی	کافی	-	سفال قرمز اورارتویی
۲	لبه	دست‌ساز	شن	نخودی	نخودی	نخودی	نخودی	-	-	کافی	-	سفال نخودی آهن III
۳	لبه	چرخ‌ساز	ماسه ریز	سبز	سبز	آجری	سبز	لعاب گلی غلیظ	لعاب گلی غلیظ	کافی	کنده	سفال اسگرافیاتو سلجوقی
۴	لبه	چرخ‌ساز	شن ریز	قرمز تیره	قرمز تیره	آجری	قرمز تیره	صیقلی	صیقلی	کافی	-	سفال قرمز اورارتویی
۵	بدنه	-	شن ریز	قرمز	قرمز	نخودی	قرمز	-	صیقلی	کافی	-	سفال قرمز اورارتویی
۶	بدنه	دست‌ساز	شن ریز	قرمز	قرمز	نخودی	قرمز	-	-	کافی	-	سفال قرمز اورارتویی
۷	بدنه	چرخ‌ساز	شن ریز	قرمز	قرمز	نخودی	قرمز تیره	صیقلی	صیقلی	کافی	-	سفال قرمز اورارتویی
۸	بدنه	چرخ‌ساز	کانی	قرمز تیره	قرمز تیره	نخودی	قرمز تیره	صیقلی	صیقلی	کافی	-	سفال قرمز اورارتویی
۹	بدنه	چرخ‌ساز	کانی	قرمز تیره	قرمز تیره	نخودی	قرمز تیره	صیقلی	صیقلی	کافی	-	سفال قرمز اورارتویی
۱۰	بدنه	دست‌ساز	ماسه	خاکستری	خاکستری	خاکستری	خاکستری	-	-	کافی	-	سفال خاکستری عصر آهن
۱۱	بدنه	دست‌ساز	ماسه	خاکستری	خاکستری	خاکستری	خاکستری	-	-	کافی	-	سفال خاکستری عصر آهن
۱۲	کف	چرخ‌ساز	ماسه	زرد - سبز	سبز	نخودی	سبز	لعاب گلی	لعاب گلی	کافی	-	سفال لعاب پاشیده زیر لعاب ایلخانی
۱۳	کف	چرخ‌ساز	ماسه	سبز	سبز	خاکستری	سبز	لعاب گلی غلیظ	لعاب گلی غلیظ	کافی	-	-
۱۴	کف	چرخ‌ساز	شن ریز	آجری	آجری	خاکستری	آجری	-	-	کافی	-	اسلامی

منابع

- پیوتروفسکی، بوریس (۱۳۸۳)، تمدن اورارتو، ترجمه خطیب شهیدی، تهران، اندیشه نو.
- حاجی‌زاده، کریم (۱۳۷۴)، «عنوان بررسی استقرارهایی اورارتویی در شمال غرب ایران (۹۰۰-۷۰۰ ق.م)»، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- دیاکونوف، ایگور میخاییلویچ (۱۳۷۷)، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، علمی و فرهنگی.
- کارگر، بهمن (۱۳۶۸)، «مقابر اورارتویان در آذربایجان غربی»، باستان‌شناسی و تاریخ، سال سوم، شماره دوم، ۵۶-۵۸.
- ملازاده، کاظم (۱۳۸۳)، «باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی مانا»، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- ملازاده، کاظم و مریم محمدی (۱۳۸۵)، قلاع و استحکامات نظامی (دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی)، جلد ششم، چاپ اول، تهران، سوره مهر.
- هژبری نوبری، علیرضا، ۱۳۷۸، نگاهی جدید به معماری دفاعی اورارتو، مدرس، شماره ۸، ص ۱۷-۳۸.
- Burney, C. A. 1970, Excavations at Haftvan tepe 1968: First Preliminary Report, *Iran*, VIII, 71-157.

Çilingiroğlu, A.1991, The early Iron Age at Dilkaya, A. Çilingiroğlu, D. H. French (ed.), *Anatolian Iron Ages. The Proceedings of the Second Anatolian Iron Ages Colloquium held at İzmir, 1987*, Oxford: Oxbow Books: Pp 29-38.

Dyson, R. H., Muscarella, O. W., and Voigt, M. M., 1969, Hasanlu Project 1968: Hajjifiruz, Dinkha Tepe, Se Girdan, Qalatgah, *Iran*, III, 179-181.

Erdem, Ü.Aylin, Erkan Konya, 2011, Urartu Çanak Çömleği, *Urartu: Doğu'da Değişim*, Hazırlayanlar K. Köroğlu – E. Konyar, 1.Baskı: İstanbul, Pp 268-285.

Khatib Shahidi, H. and Biscione, R. 2005, *Iranian-Italian archaeological survey in eastern Azerbaijan*, In: 9th international annual symposium at Iranian Archaeology (7Archaeological reports) Vol.2, Pp. 25-34.

Kleiss, W. 1970, Ausgrabungen in der Urartäischen Festung Bastam (Rusahinili) 1969", *Archäologische Mitteilungen Aus Iran*, Neue Folge 3, Pp. 7-65.

—————, 1972, Bericht über erkundung sfahrten in Iran Im Jahre 1971, *Archäologische Mitteilungen Aus Iran*, Neue Folge 5, Pp. 51–111.

—————, 1973, Planaufnahmen Urartaischer burgen in Iranisch Azarbaidjan im Jahre 1972, *Archäologische Mitteilungen Aus Iran*, Neue Folge6, Pp. 7-80.

Kleiss, W., 1974, Planaufnahmen burgen und neufunde Urartaischer anlagen in Iranisch - Azarbaidjan iim Jahre 1973, *Archäologische Mitteilungen Aus Iran*, Neue Folge 7, Pp. 79-106.

—————, 1976, Urartaische architektur, In: H.-J. Kellner (ed.), *Urartu: Ein Wiederentdecker Rivale Assyriens*, ausstellungskatalog der prahistorischen staatssammlung , Band 2, Munchen: Prahistorische Staatssammlung München: Pp. 28-44.

Konyar, E. 2004, Doğu Anadolu Erken Demir Çağı Kültürü: Arkeolojik Kazı Ve Yüzey Araştırmaları Bulgularının Değerlendirilmesi, *Sosyal Bilimler Enstitüsü Yayınlanmamış Doktora Tezi*, İstanbul İstanbul Üniversitesi.

—————, 2011, Urartu'da Mezar Tipleri Ve Gömü Âdetleri, *Urartu: Doğu'da Değişim*, Hazırlayanlar K. Köroğlu – E. Konyar, 1.Baskı: İstanbul, Pp. 206-231.

Köroğlu, K., 2011, Urartu: Krallık Ve Aşiretler, *Urartu: Doğu'da Değişim*, Hazırlayanlar K. Köroğlu – E. Konyar, 1.Baskı: İstanbul, Pp. 12-53.

Kroll, E., 2005, The southern Urmia basin in the Early Iron Age, *Iranica Antiqua* „XL, Pp 65-85.

—————, 2011. İran'daki Urartu Şehirleri, *Urartu: Doğu'da Değişim*, Hazırlayanlar K. Köroğlu – E. Konyar, 1.Baskı: İstanbul, Pp. 150-169.

Medvedskaya, I., 1989, *The end of Urartian presence in the regin of Lake Urmia*, In: *Archaeologia Iranica et Orientalis, Miscellanea I N Honorem, L. Vanden Berg, Gent, I, Pp. 439-454.*

Muscarella, O. W., 1974, Excavations at Agrab Tepe Iran", *Metropolitan Museum Journal*, 9, 47-76.

Sevin, V. Kavakli, E., 1995, Van-Karagündüz Erken Demir Çağı Nekropolü Kurtarma Kazıları 1992-1993, *Kazı Sonuçları Toplantısı* 16/1, 331-350.

Tarhan, M.T., 2011, Başkent Tuşpa, *Urartu: Doğu'da Değişim* Hazırlayanlar Kemalettin Köroğlu - Erkan Konyar, 1.Baskı: İstanbul, Pp. 288-337.

Yakar, J., 2011, Etnoarkeolojik Veriler Işığında Doğu Anadolu'nun Urartu Döneminde Sosyo-Ekonomik Yapısı, *Urartu: doğu'da değişim*, Hazırlayanlar K. Köroğlu – E. Konyar, 1.Baskı: İstanbul, Pp. 126-145.

Zimansky, P., 1985, *Ecology and empire, the structure of the Urartian state*, (Studies in Ancient Oriental Civilization41), Chicago: The Oriental Institute, University of Chicago.

Zimansky, P., 1998, *Ancient Ararat: a handbook of Urartian studies*. Delmar, New York, Caravan Books.

—————, 2011, Unutulan Ve Tekrar Hayata Dönen Bir Krallık: Urartu Çalışmaları Ve Literatürü, *Urartu: doğu'da değişim*, Hazırlayanlar K. Köroğlu–E. Konyar, 1.Baskı: İstanbul, Pp. 56-71.